

3349

۵۰۰

۱۵

۲۹۰

بوستان کتاب

پیشگامان اسلام

www.ketab.ir

نजारزادگان، فتح‌الله، ۱۳۳۷ -

مصاف بی‌پایان با شیطان / فتح‌الله نजारزادگان - [ویراست ۲] - قم: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۱.

[۲۶۰] ص. - (مؤسسه بوستان کتاب: ۹۷۳) (اخلاق و علوم تربیتی: ۱۰۷. اخلاق اسلامی: ۳۱)

ISBN 978-964-09-1032-0

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتاب‌نامه: ص. [۲۵۳] - ۲۵۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.

تاب دهم: ۱۳۹۸.

۱. شیطان - جنبه‌های قرآنی. ۲. شیطان - احادیث. ۳. شیطان - احادیث. ۴. اخلاق اسلامی.

الف. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. مؤسسه بوستان کتاب. ب. عنوان.

۲۹۷/۴۶۷

BP ۲۶/۱۳۹۸

۱۳۹۸

■ موضوع: اخلاق اسلامی: ۳۱ (اخلاق و علوم تربیتی: ۱۰۷)

■ گروه مخاطب: عمومی

شماره انتشار کتاب (چاپ اول): ۹۷۳

مسلسل انتشار (چاپ اول و بازچاپ): ۷۲۸۷

مصاف بی پایان با شیطان

ویرایش دوم

دکتر فتح الله مبارزادگان (محمدی)

بیتنا
۱۳۹۸

بوستانکتاب

مصاف بی‌پایان با شیطان

• نویسنده: دکتر فتح‌الله نجارزادگان (محمدی)

• ناشر: مؤسسه بوستان کتاب

• لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب

• نوبت چاپ: دوم / ۱۳۹۱ • شمارگان: ۵۰۰ • بهای: ۳۵۰۰۰ تومان

تمامی حقوق نشر مکتوب و الکترونیکی اثر متعلق به مؤسسه بوستان کتاب است

Printed in the Islamic Republic of Iran

♦ دفتر مرکزی: قم، خ شهدا (صفائییه)، ص ۱۷ / ۳۷۱۸۵، تلمن: ۷-۳۷۷۴، بر: ۳۷۷۴۲۱۵۴، تلفن پخش: ۳۷۷۴۴۴۲۶

♦ فروشگاه مرکزی: قم، چهارراه شهدا (عرضه ۰۰٪) - حان کب با همکاری ۱۷۰ (ناشر)

♦ فروشگاه شماره ۲: تهران، خیابان انقلاب، بین وصال و فلسط. ۹۵، ن: ۶۶۹۶۹۸۷۸

♦ فروشگاه شماره ۳: مشهد، چهارراه خسروی، مجتمع پاس، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شه حراسا: نوی، تلفن: ۳۲۲۳۳۶۷۲

♦ فروشگاه شماره ۴: اصفهان، چهار راه کرمانی، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شه اصفهان، من: ۳۲۲۲۰۳۷۰

♦ فروشگاه شماره ۵ (رنگین کمان، فروشگاه کودک و نوجوان): قم، چهارراه شهدا، نبش خیابان امام، من: ۳۷۷۴۳۱۷

اطلاع از تازه های نشر از طریق پیام کوتاه (SMS)، با ارسال شماره همراه خود به ۱۵۵۰۰۰۰۱۰۰۰ و یا ارسال درخواست به:

E-mail: info@bustaneketab.com پست الکترونیک مؤسسه

جدیدترین آثار مؤسسه و آشنایی بیشتر با آن در وب سایت: www.bustaneketab.com

با قدرانی از همکاری که در تولید این اثر نقش داشته‌اند:

- اعضای شورای بررسی آثار • دبیر شورای کتاب و سرویراستار: ابوالفضل طریقه‌دار • ویراستار: سیدمجید حسن‌زاده
- کنترل و ویرایش: فرخ‌الله جهان‌دوست و محمد نقویان • اصلاحات حروف‌نگاری: راضیه بذرافشان و محمود هدایی • صفحه‌آرا: احمد اخلی
- نمونه‌خوانی: محمد دلیم، سیدحسین حسینی، سیدعلی قائمی و جلیل حبیبی • کنترل نمونه‌خوانی: ولی قربانی
- کنترل فنی صفحه‌آرایی: سیدرضا موسوی‌منش • مدیر گروه هنری و طراح جلد: مسعود نجابتی
- اداره آماده‌سازی: حمیدرضا تیموری • اداره چاپخانه: مجید مهدوی و سایر همکاران لیتوگرافی، چاپ و صحافی • مدیر تولید: عبدالهادی اشرفی.

رئیس مؤسسه
محمدباقر آتماره

تقدیم به:

بسیجیان عزیز و جان بر کف.

دلاور مردان پیروز در جهاد اصغر، ره پویان سترگ در
جهاد اکبر، رمیجان گمنام در مُلک و خاک و سپیدسیرتان
آشنا در ملکوت و اذلاک؛ آنان که حضرت امام خمینی علیه السلام
درباره‌شان فرمود:

من بازوان شمارا که دست خدا بالای آن است، می‌بوسم.

سفارش جاودانه حضرتش درباره آنان چنین بود:

نگذارید پیش کسوتان جهاد و شهادت و خون، در
پیچ و خم زندگی روزمره خود به گراموشی سروده شوند.

إِلَهِي أَشْكُو إِلَيْكَ عَدُوًّا يُضِلُّنِي، وَ شَيْطَانًا يُغْوِينِي،
قَدْ مَلَأَ بِالْوَسْوَسِ صَدْرِي، وَ أَخَاطَتْ هَوَاجِسُهُ
بِقَائِي، يُعَاضِدُنِي الْهَوَى وَ يُزَيِّنُ لِي حُبَّ الدُّنْيَا،
وَ يَخْرُلُ بَيْنِي وَ بَيْنَ الطَّاعَةِ وَ الزُّلْفَى؛^۱

خدایا! از دشمنی که گمراهم می‌کند و شیطانی که به بی‌راهه‌ام
می‌برد، به تو شکوه می‌کنم؛ سینه‌ام را با وسوسه‌اش پر کرده،
دلم را با خطوراتش در برگیرفته، هوای نفس را به یاری
می‌طلبد، دوستی دنیا را در چشم من می‌آراید و بین من و
اطاعت و قرب تو دیوار می‌کشد.

۱. امام سجاد، زین العابدین - علیه آلاف التحية و الثناء - در مناجات شاکین.

فهرست مطالب

پیش‌گفتار ۱۳

بخش اول: شناخت دشمن

فصل اول: کارنامه زندگی ابلیس در یک نگاه ۲۱

آغاز دشمنی ۲۵

مهلت به دشمن و حکمت آن ۲۸

فصل دوم: توان و گستره فعالیت دشمن ۳۵

فصل سوم: هدف‌های دشمن ۴۳

فصل چهارم: سیاست‌های اصولی دشمن ۴۶

۱. سیاست هجوم همه‌جانبه ۴۷

۲. سیاست کمین و بهره‌گیری از غفلت ۵۱

۳. سیاست گام به گام ۵۷

۴. سیاست پی‌گیری و دوام ۵۹

۵. سیاست هجوم جمعی ۶۰

۶۴	فصل پنجم: مهارت‌ها، تجهیزات و نیروهای دشمن
۶۵	مهارت‌های دشمن
۶۵	۱. زینت‌گری و صحنه پردازی
۶۶	الف) آرایش امکانات دنیا
۶۷	ب) آرایش پندارهای باطل
۶۸	ج) آرایش رفتارهای زشت
۷۲	۲. اقامت، وسوسه‌های زشت
۷۴	الف) انواع وسوسه
۷۷	ب) سلامت و پرداخت آرزوها
۷۸	ج) تهدیدها و وعده‌های فریبنده
۷۸	ج) ۱. تهدید به فقر
۷۹	ج) ۲. وعده به بخشش‌های بویجا
۸۰	ج) ۳. وعده اصلاح و توبه در آینده
۸۲	۳. تباه کردن و گسستن پیوندها
۸۵	۴. راندن از پشت و زمام‌گیری از روبه‌رو
۸۶	۵. دستور
۸۸	۶. نهیب و بانگ
۹۱	تجهیزات دشمن
۹۱	۱. وسایل گوناگون شکار
۹۲	۲. همکاری نفس سرکش
۹۶	نیروهای دشمن
۱۰۰	فصل ششم: کمینگاه‌های حساس و گلوگاه‌های خطر

۱۰۱ کمینگاه‌های حساس
۱۰۱ ۱. عجب
۱۰۴ ۲. حسادت
۱۰۵ ۳. کبر
۱۰۷ ۴. یأس و ناامیدی
۱۰۸ ۵. خشم و غضب
۱۱۰ ۶. اعتماد به نفس سرکش
۱۱۱ تلوگاه‌های خطر
۱۱۲ ۱. گذرگاه مرگ
۱۱۷ ۲. احساس ناامنی در آیزش
۱۱۹ ۳. جمع هواپرستان
۱۲۰ ۴. خانه‌های بی فروغ
۱۲۰ ۵. فضای مسموم اجتماع
۱۲۱ ۶. شکاف صف‌های مؤمنان
۱۲۳ فصل هفتم: در اسارت دشمن
۱۲۴ ۱. اسیران و خصوصیات روحی آنان
۱۲۹ ۲. رفتار دشمن با اسیران و خواسته‌های او

بخش دوم: کارزار با دشمن

۱۳۵ فصل اول: سرمایه‌ها و توانایی‌های ما
۱۳۶ سرمایه‌ها
۱۳۶ ۱. وحی و راهنمایان بیرونی

- ۱۳۷.....۲. عقل، راهنمای درونی
- ۱۳۹.....۳. فطرت توحیدی و پیمان الهی
- ۱۴۱.....۴. نفس لؤامه و سرزنشگر
- ۱۴۲.....۵. نفس الهامگر
- ۱۴۳.....۶. نیروی بنیابی، شنوایی و ادراکی
- ۱۴۴..... توانایی ها
- ۱۴۴..... ۱. شناخت موقعیت درونی
- ۱۴۵.....۲. شناخت موقعیت بیرونی
- ۱۴۶.....۳. آگاهی از پدیده‌های پدیدار و عبرت از آنان
- ۱۵۰.....۴. بازگشت و پاکسازی
- ۱۵۰.....۵. تجهیزات گوناگون
- ۱۵۳.....۶. نماز، پایگاهی نیروی معنوی
- ۱۶۲.....۷. امدادهای ویژه
- ۱۶۸..... فصل دوم: سیاست‌های اصولی در مبارزه با دشمن
- ۱۶۹.....۱. نگرهبانی
- ۱۷۱..... الف) دژ و استحکامات
- ۱۷۳..... ب) کنترل ورود و خروج
- ۱۷۷..... ج) محاسبه و ارزیابی
- ۱۷۹.....۲. واکنش مناسب و در خور
- ۱۸۳.....۳. استعاذه و استغفار
- ۱۸۶.....۴. پایداری، برخورد خصمانه و انهدام
- ۱۸۹..... فصل سوم: شیوه‌ها و راهکارهای مبارزه

- ۱۸۹ گام اول: کاوش و بازنگری در حوزه جان
- ۱۹۳ گام دوم: لایه‌رویی و شست و شوی آلودگی‌ها
- ۱۹۷ گام سوم: درمان بیماری‌ها و ترمیم آسیب‌ها
- ۱۹۷ الف) درمان کبر و فخر فروشی
- ۱۹۹ ب) درمان عُجب
- ۲۰۱ ج) درمان حسادت
- ۲۰۲ د) درمان ناامیدی
- ۲۰۵ هـ) درمان بخل
- ۲۰۷ گام چهارم: تصحیح اندیشه‌ها و ارزیابی و تعمیق باورها
- ۲۰۹ الف) پروردگار ما
- ۲۱۳ ب) ما در نظام آفرینش
- ۲۱۴ ج) ما و اعمال ما
- ۲۱۷ د) گذرگاه دنیا و حکمت زندگانی در آن
- ۲۲۴ توصیه‌ها و دستورالعمل‌ها
- ۲۲۷ هشدارها
- ۲۳۰ هـ) تداوم حیات ما
- ۲۳۲ و) نگاهی به معاد و روز واپسین
- ۲۳۹ گام پنجم: پیش‌گیری از آسیب و تلاش در بالندگی و عروج روح
- ۲۴۶ حاصل سخن
- ۲۵۳ کتاب‌نامه

﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا...﴾^۱

همانا شیطان، سخت شما را دشمن است؛ شما هم او را دشمن گیرید.

پیشتر گفتار

* آنان که آمهگ اجابت دعوت خدا دارند، باید بکوشند از همه چیز دست بشویند و بنده واقعی خدا شوند. شرط اساسی اجابت و ورود به ساحت بندگی خدا هم، چیزی جز رهایی از هواهای نفسانی و بندگی شیطان نیست و این دنیا گذرگاهی برای نیل به این رهایی است.

برای ما هواهای نفسانی تا حدی شاخته شده اند. اما شیطان چطور؟ آیا تا کنون از خود پرسیده ایم این شیطان که این همه در آیات و روایات در مورد دشمنی او تأکید شده، ما را به مبارزه با او فراخوانده اند چه کسی است؟

چرا - طبق روایات - از آدم علیه السلام گرفته تا همه انبیاء و اولیا که به حج رفته اند، موظف بوده اند شیطان را رجم کنند؟ ابو جعفر صدوق علیه السلام از امام صادق علیه السلام چنین نقل می کند: نخستین کسی که رمی جمره - پرتاب سنگریزه - کرد، آدم علیه السلام بود.

در حدیثی دیگر از علی بن جعفر از برادرشان امام موسی بن جعفر علیه السلام چنین می آورد:

۱. فاطر (۳۵) آیه ۶.

۲. علل الشرایع، ص ۴۳۷.

از امام درباره حکمت زدن سنگریزه‌ها پرسیدم، فرمود: چون ابلیس لعین در این جا برای ابراهیم نمودار شد و ابراهیم علیه السلام او را با سنگ راند، پس، سنت بر همین قرار گرفت.^۱

چرا شیطان با همه آدمیان دشمن است؟ چرا از روز آفرینش انسان‌ها تا کنون، لحظه‌ای برای به دام انداختن آن‌ها آرام نگرفته، تاقیامت نیز آرام نمی‌گیرد؟ چه گونه این دشمن، انسان‌های بی شماری را از قشرهای گوناگون به خاک سیاه نشاندم و هنوز هم سیر نشده است و هر دم با وسوسه‌ها و شگردهای نو به میدان می‌آید تا گروهی دیگر را شکار کند؟ و ده‌ها پرسش دیگر از این دست....

لامه بی‌باط ای الله در تفسیر گران سنگ خود فرمودند:

وضع ابلیس نزد ما، امری مبتذل و پیش پا افتاده است و اعتنایی به او نداریم؛ جز آن که روزی چند بار او را لعنت کرده، از شرش به خدا پناه می‌بریم و برسی از افکار پریشان خود را از این جهت که از ناحیه اوست، زشت می‌شمیریم. لیکن باید دانست که این موضوع، موضوعی است بسیار قابل تأمل و شایان دقت و بحث. متأسفانه تا کنون در صدد برنیامده‌ایم ببینیم قرآن کریم درباره حقیقت این موجود شکفت که در عین این‌که از حواس ما پنهان است و تصرفاتی عجیب در عالم اسانیت دارد، چه می‌گوید. چرا نباید در صدد برآییم و چرا در شناختن این دشمن خانگی و درونی این قدر بی‌اعتنایییم؟ دشمنی که... تا ما را به عذاب جاودانه بیداند، آرام می‌گیرد.^۲

ما که برای مبارزه و یا دفاع در برابر دشمنان بیرونی خود آن همه سرمایه‌گذاری می‌کنیم و سازمان‌ها و نهادهایی با امکانات و تجهیزات گوناگون و گسترده فراهم می‌آوریم، چرا باید نسبت به این دشمنی که اساس همه خطرها و دشمنی‌هاست و همه جا و همه وقت با ماست، بی‌اطلاع و یا بی‌اعتنا باشیم؟ جای

۱. همان، ص ۴۳۷ باب ۱۷۷.

۲. المیزان، ترجمه فارسی، ج ۸، ص ۴۱.

بسی شگفتی است که برخی شیطان را موجودی خیالی می‌دانند؛ تصوری که به طور کامل با عقل و وحی بیگانه است. برخی دیگر نیز هر چند او را موجودی واقعی می‌شناسند، اما در کمال غفلت به این دشمن کینه توز چراغ سبز نشان داده، با آغوش باز از او استقبال می‌کنند؛ گویی آنان پیمانشان را با خدا فراموش کرده‌اند که می‌فرماید:

﴿الْمُ أَعْهَدَ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ * وَإِنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ * وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَفْقَهُونَ﴾^۱

ای فرزندان آدم! مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را مهرستید؛ زیرا وی دشمن آشکار شماست؟ و این که مرا بپرستید این راه راست است و او گروهی انبوه از میان شما را سخت گمراه کرد؛ آیا تعقل نمی‌کردید؟

گویا این پیام صریح قرآن را از یاد برده‌اند که می‌فرماید:

﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾^۲

در حقیقت، شیطان دشمن شماست؛ شما [بیز] او را دشمن گیرید. او فقط حزب خود را می‌خواند تا آن‌ها از یاران او باشند.

اگر شیطان دشمن است و اگر «رجیم» و اخراجی است و اگر کینه تک تک ما آدمیان را به دل گرفته، می‌کوشد تا ما را به قعر آتش فرستد، ما هم باید بنا به هشدارهای عقل و وحی، او را دشمن بداریم و با قاطعیت از خود برانسم و اجازه ندهیم قلبمان را تسخیر کند.

۱. پس (۳۶) آیه‌های ۶۰-۶۲.

۲. فاطر (۳۵) آیه ۶.

۳. صفت رجیم (به معنای مرجوم) به معنای رانده شده است و قرآن آنرا برای شیطان به کار برده است؛ به حجر (۱۵) آیه ۳۴ رجوع کنید.

آیا این خیالی خام نیست که کسی بپندارد روزی دشمنی شیطان پایان می‌پذیرد و خیرخواه ما می‌شود؟ مگر می‌شود چنین موجود کینه توزی که خود به دشمنی جاودانه با انسان اعتراف دارد، حتی برای لحظه‌ای دشمنی‌اش را فراموش کند؟! از این رو، آشکارا باید اعلام کرد که در زندگی این موجود پلید، واژه‌هایی چون سازش، روابط مسالمت آمیز، آتش بس، احترام متقابل و... هرگز معنا و مفهوم ندارد. خداوند به موسی علیه السلام می‌فرماید:

ای موسی! همیشه از من چهار سفارش را به خاطر داشته باش... - چهارم این که - تا از مرگ این دشمن یقین حاصل نکرده‌ای، از مکر و حيله‌اش آسوده باش.^۱

امام کاظم علیه السلام در بخشی از پندهایشان به «هشام» درباره دشمنی که بیش از هر دشمنی لازم است با او مبارزه شود، می‌فرماید:

نزدیک‌ترین و دشمن‌ترین دشمنان تو، و کسی که دشمنان تو را بر ضد تو می‌شوراند، جز ابلیس پلید آسی نیست.^۲

عزیزان! دشمن، دشمن است هر چند با هزاران خرقه دوستی نمایان شود. پس بیاید برای یک بار هم که شده درباره این دشمن - که عمری با ما دست به گریبان است و فرار از او امکان پذیر نیست - اطلاعاتی سنجد و همه جانبه به دست آوریم و با عزمی راسخ تمام توان خود را برای مبارزه با او به کار بگیریم و به این عنصر ناپاک بیش از این مجال ندهیم.

از مرحوم حاج امام قلی نخجوانی که مرد وارسته‌ای بوده نقل کرده‌اند که می‌گفت: پس از آن که به سن پیری رسیدم، دیدم با شیطان در بالای کوه می‌ایستاده‌ام؛ من دست خود را بر محاسن گذارده، به او گفتم: مرا سن پیری و کهولت فرا گرفته، اگر ممکن است از من درگذر. شیطان گفت: این طرف را

۱. محدث قمی، سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۱.

۲. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۱۵.

نگاه کن. وقتی نظر کردم دره‌ای بسیار عمیق دیدم که از شدت خوف و ترس عقل انسان مبهوت می‌ماند.

شیطان گفت: در دل من رحم و مروت و مهر و عطوفت قرار نگرفته، اگر دستم به تو رسد، جای تو در ته این دره خواهد بود که تماشا می‌کنی و چنان تو را در آن سرنگون کنم که بند از بندت جدا شده، پیکرت قطعه قطعه شود.^۱ شیطان دشمنی است که با اهدافی خاص به میدان می‌آید و مبارزه‌اش حساب شده است. او از کمینگاه‌ها و گلوگاه‌هایی که انسان در آن‌ها به دام می‌افتد، آگاه است و به هیچ چیز جز به اسارت درآوردن آدمی قانع نیست. بنابراین، آیا معقول است این دشمن را دست کم گرفته، بدون شناخت و برنامه به جنگش روییم و تمرین عملی خود را در حج فراموش کنیم در این صورت بازیچه نقشه‌های شوم و هوس‌های پلید این گرگ ترسناک خواهیم شد.^۲

این نوشته گامی در شناخت شیطان و برنامه کارزار با اوست، که از قرآن و کلمات نورانی معصومان علیهم‌السلام گرفته شده است. امید است آنان که قصد بندگی خدا را دارند، با مطالعه آن، شناخت بیشتری نسبت به این مسأله پیدا کنند و بدانند که چرا باید در متن عبادت خدا (در حج) به مصاف شیطان روند.

در این جا یادآوری چند مطلب ضروری به نظر می‌رسد:

(الف) برای مبارزه، نخست باید دشمن را شناخت و سپس از کارزار با او سخن گفت؛ از این رو، این نوشتار در دو بخش جداگانه تنظیم شده است؛ بخش اول درباره شناخت دشمن و بخش دوم درباره کارزار با اوست.

(ب) هدف ما در این نوشتار، طرح جنبه‌های تربیتی، بویژه هشدارهای قرآن و عترت است. بنابراین، با توجه به مخاطبان خود، از تمثیل، شعر و داستان

۱. رساله اب‌الاباب، ص ۷۶.

۲. «إِنَّ الشَّيْطَانَ ذُنْبُ الْإِنْسَانِ، شیطان گرگ انسان است.» (نهج الفصاحه، ص ۳۵۲).

بهره‌جسته، و از مباحث عمیق کلامی و تفسیری در این موضوع چشم پوشیده‌ایم. کسانی که در پی مباحث کلامی در این باره‌اند، می‌توانند به تفسیر المیزان^۱ علامه طباطبایی رحمته‌الله؛ تفسیر القرآن الحکیم^۲ و مفاتیح الغیب^۳ صدرالمآلهین شیرازی (ملاصدرا) رحمته‌الله و بحارالانوار^۴ علامه مجلسی رحمته‌الله و دیگر کتاب‌های تفسیری و روایی و عرفانی مراجعه کنند.

ج) تکرار مطالب با توجه به هدف ذکر شده، امری اجتناب‌ناپذیر و گاهی لازم و ضروری بوده است.

د) نگارنده هرگز ادعا ندارد که هر آنچه را در این باره در آیات و روایات مطرح شده، گرد آورده است؛ اما همین که قدمی در راه شناختن و شناساندن تعالیم ثقلین دربارۀ مسووع رحمته‌الله برداشته شده، آن را توفیقی بزرگ از جانب خدای توفیق‌بخش می‌دانم و او را بر این نعمت سپاس می‌گزارم و از انتقادهای پیشنهادی صاحب‌نظران به گرمی استقبال می‌کنم.

۱. ترجمه موسوی همدانی، ج ۸، ص ۵۲-۶۳ و ج ۲۵، ص ۷-۲۳.

۲. ج ۵، ص ۲۲۲-۲۵۲.

۳. مفاتیح الغیب (کلید رازهای قرآن)، ترجمه محمد خواجوی از ص ۳۴۳ به بعد.

۴. بحارالانوار، ج ۶۳، ص ۱۳۹ (بحث فی حقیقه ابلیس).